



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در مواردی است که روزه باطل است ولی فقط قضا دارد دون الکفارة . در جلسه قبل دومین مورد را بیان کردیم ، صاحب عروة در مورد دوم می فرماید ؛ « **الثانی : إذا أبطل صومه بالإخلال بالنیة مع عدم الإتيان بشئ من المفطرات أو بالریاء أو بنیة القطع أو القاطع كذلك .** »

ادله كفارة سه قید دارد : اول این است که متوجه باشد روزه است و عمدا یکی از مفطرات را مرتکب شود (صرف قصد ارتکاب یکی از مفطرات کافی نیست) ، در جلسه قبل در مورد نیت قطع و قاطع سخن گفتیم و نیت قطع به این است که روزه دار تصمیم میگیرد از این لحظه به بعد روزه نباشد و نیت روزه دار بودن را منقطع می کند و نیت قاطع این است که یکی از قواطع روزه مانند خوردن آب را نیت کرده باشد .

سابقاً گفتیم که امام رحمه الله تبعاً لصاحب جواهر قائل بود که نیت قطع مبطل است ولی نیت قاطع مبطل نیست و صاحب عروة نیز قائل است که مطلقاً مبطل می باشند و ما قائل هستیم که مطلقاً مبطل نمی باشند و اما دلیل آن (نیت قطع و قاطع) بستگی به تفسیر صوم دارد یعنی اگر بگوئیم که صوم علاوه بر عدم ارتکاب مفطرات یک نیت استمراری هم احتیاج دارد که در نتیجه اگر یک لحظه این نیت شکسته شود صوم از بین می رود ، در این صورت نیت قطع و قاطع باعث می شود که صوم از بین برود ، و اما اگر صوم را اینگونه تفسیر نکنیم بلکه بگوئیم صوم یعنی امساک از مفطراتی که در روایاتمان محصوراً ذکر شده اند و در آنها اسمی از نیت قطع و قاطع برده نشده ، در این صورت معلوم است که نیت قطع و قاطع مبطل صوم نمی باشند . به نظر ما نیت در صوم معتبر است ولی دلیلی نیست که این نیت باید همواره به شکل مستمر باقی باشد ، در روایات ما از مفطرات جداگانه بحث شده است ولی بحثی از نیت نیامده است و فرض هم بر این است که فرد

مزبور در خارج مفطری را مرتکب نشده است بلکه فقط وسوسه شده که روزه اش را بخورد منتهی افطار نکرده بوده ، از طرفی در ذهن متشرعه هم چنین نیست که روزه این فرد باطل باشد یعنی اگر کسی تصمیم بگیرد افطار کند و یا روزه نباشد و بعد پشیمان شود کسی روزه او را باطل نمی داند ، بلکه اگر تصمیم به روزه نبودن چند ساعت طول بکشد ممکن است قائل به بطلان روزه او شویم .

شیخ انصاری در کتاب خمس در ص ۱۲۵ تا ۱۲۶ می فرماید : حتی در نماز هم اگر کسی تصمیم بگیرد نمازش را قطع کند و بعد پشیمان شود نمازش صحیح است و در صوم هم همین گونه است یعنی دلیلی بر استمرار نیت نداریم و اگر شک هم بکنیم باید به اصل برائت تمسک کنیم .

صاحب عروة در بیان سومین مورد می فرماید ؛ **الثالث : إذا نسی غسل الجنابة و مضى عليه يوم أو أيام كما مر .** یعنی اگر کسی غسل جنابت بر گردنش باشد و فراموش کند و یک یا چند روز بگذرد و بعد یادش بیاید باید روزه هایی که با حالت جنابت گرفته است قضا کند و كفارة بر گردنش نیست .

روایات مربوط به این بحث در باب ۳۰ از ابواب من یصح منه الصوم ص ۱۷۰ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی ذکر شده اند (**بَابُ حُكْمِ مَنْ نَسِيَ غُسْلَ الْجَنَابَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى مَضَى مِنْهُ أَيَّامٌ أَوْ الشَّهْرُ كُلُّهُ**) قبلاً این بحث را مفصلاً بیان کرده ایم.

الرابع : « من فعل المفطر قبل مراعاة الفجر ثم ظهر سبق طلوعه و أنه كان في النهار سواء كان قادراً على المراعاة أو عاجزاً عنها لعمى أو حبس أو نحو ذلك أو كان غير عارف بالفجر و كذا مع المراعاة و عدم اعتقاد بقاء الليل بأن شك في الطلوع أو ظن فأكل ثم تبين سبقه بل الأحوط القضاء حتى مع اعتقاد بقاء الليل و لا فرق في بطلان الصوم بذلك بين صوم رمضان و غيره من الصوم الواجب و المندوب بل الأقوى فيها ذلك حتى مع المراعاة و اعتقاد بقاء الليل . »

این در مورد کسی است که برای سحر بیدار شده و بدون اینکه تحقیق کند که فجر طلوع کرده است یا نه مشغول به خوردن شده اما بعداً متوجه شده که صبح شده بوده ، در این صورت فقط باید

طوسی به صاحب کتب را بیان می کند و می گوید که کدام طرق صحیح است و کدام موثق و هكذا . مراد از حماد در این حدیث ، حماد بن عثمان است (نه حماد بن عیسی) و مراد از حلبی در این روایت همان عبید الله بن علی است که بزرگ خاندان حلبی است ، به هر حال این روایت مطلق است و شقوق مختلف را شامل می شود چه فرد عالم باشد یا نه و یا تحقیق کرده باشد یا نه و هكذا .

خبر بعدی خبر ۲ از همین باب ۴۴ می باشد ، خبر این است : « بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزَبَارٍ قَالَ كَتَبَ الْخَلِيلُ بْنُ هَاشِمٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ ع رَجُلٌ سَمِعَ الْوُطَاءَ وَالنَّدَاءَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ (یعنی شب کسی بیدار شد و صدای رفت و آمد و صدای نداء و مناجات را شنید) فَظَنَّ أَنَّ النَّدَاءَ لِلْسُّحُورِ فَجَامَعَ وَ خَرَجَ فَإِذَا الصُّبْحُ قَدْ أَصْفَرَ فَكَتَبَ بِخَطِّهِ يَقْضِي ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ » . ابراهیم بن مهزیار اهوازی غیر از علی بن مهزیار است ولی هر دوی آنها موثق هستند و علی بن مهزیار بسیار جلیل القدر است و نماینده امام بوده است و قبر او در اهواز می باشد و همانطور که می بینید این خبر هم دلالت دارد بر اینکه باید قضا کند و مطابق قاعده هم می باشد . این شاء الله در جلسه بعد این بحث را ادامه می دهیم... .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

قضا کند و کفاره ندارد . خوب طبق قاعده شارع مقدس فرموده است که صوم به معنای امساک از طلوع فجر تا غروب است در حالی که این شخص این امساک را رعایت نکرده است بنابراین علی القاعده باید روزه اش باطل باشد . در میان موانع بعضی از آنها در صورت علم موجب بطلان می شوند و بعضی در هر حال مبطل هستند مثلاً اگر کسی برای نماز وضو نداشته باشد و نماز بخواند در هر حال نمازش باطل است و در ما نحن فیه هم قاعده اقتضا می کند که چون فرد امساک را رعایت نکرده است هر چند متوجه نبوده است روزه اش باطل باشد . روایات هم بر بطلان دلالت می کنند چون روایات اطلاق دارند یعنی فرد چه قادر به تحقیق بوده و یا قادر نبوده مثلاً در حبس بوده و یا اصلاً نمی دانسته که فجر کی طلوع می کند در همه این موارد باید روزه آن روز را قضا کند . خوب و اما حتی اگر مراعات کرد ولی شک داشت که آیا صبح شده است یا نه و یا ظن داشت که فجر طالع شده ، در این دو مورد هم چون شک و ظن به طلوع داشته و با این وضع سحری خورده است او هم باید قضا کند . صورت دیگر این است که اگر تحقیق کند و اعتقاد پیدا کند که لیل است و غذا بخورد و بعد بفهمد که صبح بوده است او هم باید روزه آن روز را قضا کند .

خوب حالا می رویم سراغ روایات مربوط به بحثمان ، خبر اول خبر ۱ از باب ۴۴ از ابواب ما یمسک عنه الصائم (ص ۸۱ از جلد ۷ وسائل ۲۰ جلدی) می باشد خبر این است : « مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ تَسَحَّرَ ثُمَّ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ وَقَدْ طَلَعَ الْفَجْرُ وَ تَبَيَّنَ قَالَ يُتِمُّ صَوْمَهُ ذَلِكَ ثُمَّ يُقْضِيهِ الْحَدِيثَ » . اسناد شیخ طوسی به حسین بن سعید صحیح است . روش شیخ کلینی این بوده که تمامی راویان تا امام را ذکر می کرده ولی شیخ صدوق فقط راوی آخر را ذکر می کرده و وسائط بین خود و آن راوی را در آخر کتاب به نام مشیخه ذکر کرده و همچنین شیخ طوسی از کتاب افراد نقل می کند و اسناد خود به آن کتاب را در جای دیگر ذکر می کند و برای یافتن آن مثلاً می توان به آخر جامع الرواة مراجعه کرد که طرق شیخ